

روش‌شناسی پژوهش در مطالعات گویش‌شناسی

آتوسا رستم‌بیک تفرشی*

چکیده

هدف مقاله حاضر بررسی روش پژوهش در چهار رویکرد جغرافیای گویشی، گویش‌شناسی اجتماعی، گویش‌شناسی ادراکی و گویش‌شناسی پیکره-بنیاد به عنوان رویکردهای سنتی و جدید در مطالعات گویشی است. با این هدف، ابتدا به اختصار به زبان‌شناسی تاریخی-تطبیقی در مقام خاستگاه شکل‌گیری گویش‌شناسی به عنوان یکی از شاخه‌های زبان‌شناسی اشاره می‌شود. سپس، تاریخچه، هدف، روش گردآوری، تحلیل و ارائه نتایج در چهار رویکرد مورد نظر با استفاده از روش توصیفی شرح و با یکدیگر مقایسه می‌گردد و انگاره روش‌شناسی هر یک از رویکردها ارائه می‌شود. مطالعات گویش‌شناختی تحت تأثیر زبان‌شناسی تاریخی-تطبیقی و با تمرکز بر تنوع‌های زبانی در نواحی مختلف جغرافیایی، به ویژه نواحی روستایی آغاز شد و در نتیجه عوامل گوناگون و مهم‌تر از همه توسعه و پیشرفت ابزارهای فنی ضبط، ثبت و تحلیل داده‌ها و نیز پیدایش گرایش‌های میان‌رشته‌ای دستخوش تغییرات فراوان شده است. در گویش‌شناسی اجتماعی و ادراکی تأثیر مؤلفه‌های اجتماعی و نگرش‌های زبانی بر مشخصه‌های زبانی و ادراک مرزها و ارزش‌های زبانی مورد بررسی قرار می‌گیرد. گویش‌شناسی پیکره-بنیاد نیز از آمیختن علوم رایانه و آمار با مطالعات زبانی شکل گرفته است. بر خلاف گویش‌شناسی سنتی که بیشتر به مطالعه مشخصه‌های واجی و واژگانی در زبان مردان مسن روستایی توجه داشته است، امروزه اقتضای مختلف در جوامع شهری و روستایی، انواع مشخصه‌های زبانی به‌ویژه دستوری، تحلیل‌های کمی و کیفی رایانه‌ای و آماری، نگرش‌های زبانی و بررسی‌های شناختی در کانون توجه قرار دارند.

* استادیار پژوهشکده زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، atoosarostambeik@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۷/۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۹/۵

کلیدواژه‌ها: روش پژوهش؛ جغرافیای گویشی؛ گویش‌شناسی اجتماعی؛ گویش‌شناسی ادراکی؛ گویش‌شناسی پیکره-بنیاد

۱. مقدمه

گردآوری و ثبت و توصیف گویش‌ها از دیرباز مورد توجه مردم‌شناسان، زبان‌شناسان (تاریخی-تطبیقی)، جامعه‌شناسان و حتی علاقه‌مندان حفظ میراث ملی و فرهنگی بوده است و گویش‌شناسی یکی از شاخه‌های قدیمی مطالعات زبانی به‌شمار می‌آید. رشته‌ای علمی که همچون سایر علوم به لحاظ روش‌شناختی در بستر زمان، دستخوش تغییر و تحول شده است. تغییر در نوع و شیوه گردآوری داده‌های مورد نیاز و شیوه تحلیل آن‌ها، به ویژه با ورود دستگاه‌های ضبط صوت و تصویر، رایانه و فناوری‌های ارتباطات و روش‌های تحلیل رایانه‌ای و آماری، منجر به پیدایش رویکردهای مختلفی در مطالعات گویشی شده است. هدف مقاله حاضر بررسی تطبیقی نوع داده‌ها، شیوه‌های گردآوری و تحلیل آن‌ها در رویکردهای سنتی و جدید گویش‌شناسی است و برای نیل به این مقصود، اصول و روش پژوهش از یک سو در زبان‌شناسی تاریخی-تطبیقی و نیز جغرافیای گویشی به عنوان رویکرد سنتی و از سوی دیگر در گویش‌شناسی اجتماعی، گویش‌شناسی ادراکی و گویش‌شناسی پیکره-بنیاد به عنوان رویکردهای جدیدتر با یکدیگر مقایسه می‌شوند. البته رده‌شناسی گویشی (فصل مشترک رده‌شناسی و گویش‌شناسی) و گویش‌سنجی (کاربرد تحلیل‌های آماری و رایانه‌ای و تفاوت‌ها و شباهت‌های بین گویش‌ها) و مستندسازی زبان (گردآوری و توصیف گویش‌ها و زبان‌ها، به ویژه زبان‌های در خطر) هم از سایر مباحث گویشی مطرح امروز هستند که مجال پرداختن به آن‌ها در مقاله حاضر نیست. در ادامه ابتدا به برخی از مطالعات اصلی در حیطه گویش‌شناسی اشاره می‌شود و سپس رویکردهای مختلف معرفی می‌شوند و روش پژوهش در هر یک مورد بررسی قرار می‌گیرد.

کتاب «گویش‌شناسی» چمبرز و ترادگیل (۱۹۹۸)^۱ اولین کتاب درسی است که به طور کلی مباحث نظری مطالعات گویشی را مطرح کرده است و در قالب یک چارچوب مفهومی، کار زبان‌شناسان اجتماعی بر روی گویش‌های شهری را با پژوهش‌های سنتی‌تر در مورد گویش‌های روستایی توسط جغرافی‌شناسان گویشی مقایسه می‌کند. از میان پژوهشگران ایرانی شیرینی (۱۳۸۶) در کتابی با عنوان «درآمدی بر گویش‌شناسی» به برخی

از مباحث گویش‌شناسی اشاره کرده است. سایر آثار یا جنبه‌ی ثبت و توصیف یک یا چند گویش را دارد و یا جنبه‌ی راهنما برای گردآوری و توصیف گویش‌ها. از آنجا که تعداد آثاری که صرفاً به توصیف یک گویش منطقه‌ای و یا تهیه‌ی واژه‌نامه از یک گویش پرداخته‌اند بسیار است، از نام بردن این آثار صرف نظر شده است و تنها به تعدادی از آثاری اشاره می‌شود که در قالب واژه‌نامه، یا توصیف و مقایسه‌ی چند گویش تنظیم شده‌اند.

از میان راهنماهای گردآوری گویش‌ها، می‌توان به این موارد به عنوان اصلی‌ترین آن‌ها اشاره کرد: «راهنمای گردآوری گویش‌ها» (کیا، ۱۳۴۰)؛ اختیار (۱۳۴۴)، کتاب «روش بررسی گویش‌ها»؛ پورریاحی (۱۳۷۴)، کتاب «شناسایی گویش‌های ایران»: کلباسی (۱۳۷۶)، راهنمای گردآوری گویش‌ها (در قالب ۱۱ صفحه)؛ زمردیان (۱۳۷۹)، کتاب «راهنمای گردآوری و توصیف گویش‌ها»؛ فتحی (۱۳۸۰)، راهنمای گردآوری گویش‌ها (در قالب ۱۴ صفحه)؛ سامارین (۱۳۸۷)، کتاب زبان‌شناسی عملی (راهنمای بررسی گویش‌ها). البته در هیچ یک از راهنماهای گردآوری گویشی، به تفاوت و تنوع در روش‌های گردآوری مبتنی بر رویکرد نظری اتخاذ شده اشاره‌ای نشده است و غالباً به روش سنتی گردآوری و توصیف گویش پرداخته شده است.

از میان کتاب‌های گویشی که به بررسی و مقایسه‌ی چند گویش پرداخته‌اند، می‌توان به این موارد اشاره کرد: کلباسی (۱۳۸۸) کتاب «فرهنگ توصیفی گونه‌های زبانی ایران» مشتمل بر صفحه ۸۹۳؛ دیهیم (۱۳۸۸)؛ «اطلس گویش‌شناختی قصران داخل» مشتمل بر ۳۴۸ صفحه؛ حسن‌دوست (۱۳۸۹)، «فرهنگ تطبیقی-موضوعی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی نو» دو جلدی مشتمل بر ۱۱۸۹ صفحه؛ کیا (۱۳۹۰). «واژه‌نامه شصت و هفت گویش ایرانی» مشتمل بر ۸۸۹ صفحه؛ دبیرمقدم (۱۳۹۲)؛ «رده‌شناسی زبان‌های ایرانی» مشتمل بر ۱۳۳۴ صفحه. در عین حال، به دو اثر ارزشمند دانشمندان اروپایی در زمینه گردآوری گویش‌های ایرانی نیز اشاره می‌توان اشاره کرد. یکی اثر ژوکوفسکی (Zhukovskii) با عنوان «موادی برای بررسی گویش‌های ایرانی» (1888-1922) است که فهرستی مفصل از لغات برخی گویش‌های ایرانی (اغلب گویش‌های مرکزی) به دست داده است و پژوهشگر دانمارکی آرتور کریستن سن (Christensen)، نیز در اثر دو جلدی خود (1930, 1935) با عنوان «خدماتی به گویش‌شناسی ایران» فهرستی موضوعی از برخی گویش‌های ایرانی (گویش‌های مرکزی و حاشیه دریای خزر) ارائه داده است.

از منظر رویکردهای نظری زیربنای پژوهش‌های گویشی در ایران، این آثار را می‌توان به تاریخی-تطبیقی، سنتی، اجتماعی، پیکره‌بنیاد و رده‌شناختی طبقه‌بندی کرد. فرهنگ تطبیقی-موضوعی حسن دوست (۱۳۸۹) را می‌توان نمونه‌ای از پژوهش‌های تاریخی-تطبیقی گویش‌شناسی به‌شمار آورد. در زمینه جغرافیای گویشی می‌توان به طرح فرهنگساز اشاره کرد که با هدف گردآوری گویش‌ها با همکاری مشترک فرهنگستان زبان ایران و سازمان جغرافیایی کشور شکل گرفت. مجریان طرح از شروع کار طی سال‌های ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۷ توانستند از حدود ۱۴۰۰۰ روستا نمونه‌برداری کنند. تا کنون بر اساس مواد و اطلاعات طرح فرهنگساز سه جلد کتاب با عنوان شناسایی گویش‌های ایران چاپ شده است (پورریاحی، ۱۳۷۴: ۱۹-۲۱).

طرح‌های پژوهشی و پایان‌نامه‌های متعددی نیز در حیطه گویش‌شناسی اجتماعی انجام شده است. به‌ویژه مباحثی چون دوزبانگی، سیاست‌های زبانی و برنامه‌ریزی زبانی و تغییر و زوال زبان‌ها مورد توجه پژوهشگران این حیطه بوده است. کتاب درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان (مدرسی، ۱۳۶۸ و ۱۳۹۱) و زبان و مهاجرت (مدرسی، ۱۳۹۳) از جمله آثاری است که مباحثی از تأثیر عوامل اجتماعی بر زبان و گویش را مورد بررسی قرار داده‌اند. همچنین، پژوهش‌هایی نیز در قالب طرح و کتاب درباره گویش یک گروه قومی خاص یا اقلیت مذهبی و یا گونه زبانی یک گروه سنی خاص انجام شده است، مانند: گویش کلیمیان اصفهان (کلباسی، ۱۳۷۳)، بررسی مانند عوامل مؤثر در عدم بکارگیری گویش نهاوندی توسط نوجوانان (فهیم، ۱۳۷۶) و گویش کلیمیان یزد (همایون، ۱۳۸۳). بی‌تردید، ایران به عنوان کشوری که مهد اقوام و زبان‌های گوناگون است، بستری مناسب برای انجام چنین پژوهش‌هایی به‌شمار می‌آید.

در حیطه گویش‌شناسی پیکره‌بنیاد می‌توان به پایگاه داده‌های زبان فارسی (عاصی، ۱۳۸۴) اشاره کرد که با هدف ایجاد مجموعه‌ای بزرگ از پیکره‌های گوناگون زبان فارسی امروز طراحی شده است.^۱ می‌توان مشابه چنین پیکره‌ای را برای سایر زبان‌ها و گویش‌ها گردآوری نمود. کتاب فرهنگ توصیفی گونه‌های زبانی ایران (کلباسی، ۱۳۸۸) به‌طور خاص به گردآوری و توصیف پیکره گویشی توجه داشته است ولی داده‌ها در قالب پیکره‌ای رایانه‌ای ارائه نشده است. در این کتاب یک متن داستانی به ۲۲۱ گونه زبانی در ایران برگردانده شده است و به نکات دستوری، واژگانی و آوایی متون نیز اشاره شده است.

۲. زبان‌شناسی تاریخی - تطبیقی و آغاز مطالعات گویشی

تفاوت‌های گویشی همواره مورد توجه و بحث بوده است. اظهارنظرهای هوشمندانه در این باره نیز تاریخچه‌ای دیرینه دارد، برای مثال برنارد دوریاک (Bernart d'Auriac) شاعر که در حدود ۱۲۸۴ میلادی، برای اولین بار گویش‌های شمال و جنوب فرانسه را با دو اصطلاح "langue d'oil" و "langue d'oc" که معادل‌های فرانسه واژه "بله" در این دو گویش هستند، تقسیم‌بندی کرد. با وجود این، آغاز مطالعه نظام‌مند گویش‌ها به حدود نیمه دوم قرن نوزدهم می‌رسد. (Chambers & Trudgill, 2004: 13).

قرن نوزدهم را به‌طور کلی دوره‌ای می‌دانند که زبان‌شناسی به عنوان یک رشته مشروعیت یافت. در این دوره که به زبان‌شناسی تاریخی-تطبیقی نیز شهرت دارد، منظر تاریخی رویکرد غالب مطالعات بود و مهمترین دستاورد آن بازسازی زبان هندواروپایی مادر به‌شمار می‌رفت (Fox, 2006: 317). دو ویژگی اصلی این‌گونه مطالعات، مقایسه گونه‌های زبانی مختلف و بررسی تغییرات درزمانی (diachronic) زبان‌ها است، هر چند که طبیعت ناقص و تصادفی گردآوری داده و ماهیت خود تغییرات دستیابی به بسیاری از حقایق را ناممکن می‌نمود (Cravens, 2002: 1). شکل‌گیری این رویکرد در قرن نوزدهم با سربرآوردن جنبش معروف به نودستوریان کامل شد (ترجمه اصطلاح آلمانی (Junggrammatiker) به معنی دستوریان جوان). مهم‌ترین اصل مطرح‌شده از سوی ایشان، استثناء‌ناپذیر بودن تغییرات آوایی بود که مورد انتقاد بسیار واقع شد زیرا شواهد حاصل از مطالعات گویشی چنین قاعده‌مندی را تأیید نمی‌کرد و در این تغییرات آوایی به لحاظ جغرافیایی یکدستی مشاهده نمی‌شد (Fox, 2006: 323-325). هدف، روش و دستاورد مطالعات زبان‌شناسی تاریخی-تطبیقی در انگاره ۱ به اختصار نشان داده است.



انگاره ۱- روش پژوهش در زبان‌شناسی تاریخی-تطبیقی

بنابراین، گویش‌شناسی تا حدی با انگیزهٔ روشنگری و به چالش کشیدن اصول نودستوریان در قرن نوزدهم شکل گرفت. البته، عوامل دیگری چون مقابله با تغییرات فرهنگی-اجتماعی ناشی از پدیده‌هایی مانند مهاجرت، صنعتی شدن و پیامدهای آن و جلب توجه و علاقه تودهٔ مردم به سندیت و اعتبار گویش‌های دست‌نخورده غیر معیار و همچنین تلاش گویش‌شناسی سنتی برای ارائهٔ مرزهای همگویی نیز در این میان تأثیرگذار بودند. هارنیش (Harnisch) (۲۰۰۹) معتقد است که توجه به موارد غیرمتشابه در گویش‌ها و ارائهٔ مرزهای همگویی با باور عامهٔ مردم در قرن نوزدهم مبنی بر این که هر زبان یا گویشی باید قلمرو مطلق داشته باشد (Auer, 2004: 149-150) همسو بوده است (Szmrecsanyi, 2012:1).

۳. جغرافیای گویشی

اساس و بنیاد جغرافیای گویشی (dialect geography) بررسی پراکندگی جغرافیایی تنوع زبانی است. گویش‌شناسی سنتی بر تنوع‌های روساختی هم‌زمانی متمرکز است و نسبت به فرایندهای زیرساختی در زمانی یا تعابیر تاریخی-تطبیقی این تنوع بی‌توجه است (Pelkey, 2011: 31). اولین پیمایش گویشی که می‌توان آن را به‌واقع جغرافیای گویشی دانست، در سال ۱۸۷۶ در آلمان توسط گئورگ ونکر (Georg Wenker) آغاز شد. ونکر فهرستی از جملات را که به زبان آلمانی استاندارد نوشته شده بود برای ۵۰۰۰۰ نفر از مدیران مدارس فرستاد و از آن‌ها خواست که این جملات را به گویش محلی آوانگاری کنند. حدود ۴۵۰۰۰ نفر پرسشنامه‌های کامل شده را باز پس فرستادند. در نهایت ونکر (۱۸۸۱)، دو مجموعه نقشهٔ با دست کشیده شده که هر کدام، یک مشخصه را نشان می‌دادند، تهیه کرد و نام اطلس گویشی امپراطوری/رایش آلمان (Sprachatlas des Deutschen Reichs) را بر آن نهاد. در دانمارک نیز، طرحی مشابه و البته نه آنقدر جاه‌طلبانه با سرپرستی کریستن سن (Kristensen) در سال ۱۸۹۸ انجام شد و نتایج حدود پانزده سال بعد از آغاز طرح، یعنی ۱۹۱۲ منتشر گردید. بعدها استفاده از پژوهشگر میدانی جایگزین استفاده از پرسشنامه‌های پستی (Postal questionnaires) شد. اولین پژوهش گویشی که در آن برای گردآوری داده از پژوهشگر میدانی استفاده شده بود، در سال ۱۸۹۶ و در فرانسه آغاز شد. مدیر سوییسی این طرح، ژیلیرون (Gilliéron)، فردی را به عنوان پژوهشگر میدانی انتخاب کرد تا از طریق مصاحبه، پرسشنامه‌ای ۱۵۰۰ موردی را کامل کند. این فرد که ادمونت نام داشت، از سال ۱۸۹۶ تا ۱۹۰۰، در نواحی روستایی فرانسه با گویشوران مصاحبه کرد. پس

از اتمام کار، بیش از ۷۰۰ مصاحبه را در ۶۳۹ جایگاه مختلف به انجام رسانده بود. از میان ۷۰۰ گویشور، تنها شصت نفر زن بودند و فقط ۲۰۰ نفرشان تحصیلاتی بیشتر از هنجار یک جمعیت روستایی آن زمان، داشتند (chambers&Trudgill, 2004: 15-17).

۳-۱- روش پژوهش در جغرافیای گویشی

گویش‌شناسان دو روش عمده را برای گردآوری داده‌ها به کار می‌گرفتند، که هر دو نوعی «کاوش مستقیم» برای استخراج داده به‌شمار می‌آیند. برخی از پرسشنامه‌هایی که با پست برای افراد مشخصی ارسال می‌شد استفاده می‌کردند و برخی نیز با سفر به مناطق روستایی اطلاعات را گردآوری می‌کردند. پرسشنامه‌ها جزئیات زیادی را در بر داشتند و کامل کردن آن گاهی روزها و حتی هفته‌ها طول می‌کشید (Starks, 2001: 2). مصاحبه‌ها را پژوهشگران میدانی مختلفی و در موقعیت‌های گوناگون می‌توانستند انجام دهند، ولی باز هم هسته داده‌های زبانی به دست‌آمده مشترک و نتایج قابل مقایسه بود. استفاده از پرسشنامه می‌تواند مستقیم یا غیر مستقیم (direct or indirect) باشد. در پرسشنامه ژیلیرون، ادمونت برای هر یک از اقلام زبانی به طور مشخص، سؤال آشکاری را از گویشور می‌پرسد، مانند: «به فنجان چه می‌گویی؟» یا اینکه چطور می‌گویی "پنجاه؟". در پرسشنامه پستی ونکر نیز با اینکه پرسشنامه کتبی بود و نه شفاهی، از روش مستقیم استفاده شده بود، زیرا صورت معیار در اختیار گویشوران قرار داده می‌شد. در برخی پژوهش‌های گویشی از پرسش‌های غیر مستقیم استفاده می‌شود تا پاسخ‌های طبیعی‌تری از گویشوران استخراج شود. به عنوان مثال، پژوهشگر میدانی فنجانی را بالا می‌گیرد و می‌پرسد: «این چیست؟».

علاوه بر این، پرسشنامه می‌تواند رسمی یا غیر رسمی (formal or informal) باشد. در پرسشنامه غیررسمی پژوهشگران آزادند که پرسش‌هایشان را آنگونه که دوست دارند طراحی کنند، البته با این شرط که پاسخ مطلوب را از گویشور استخراج کنند، در حالی که در پرسشنامه‌های رسمی، صورت و قالب سؤال‌ها از پیش مشخص شده است.

سازمان‌بندی پرسشنامه‌ها غالباً مبتنی بر ملاحظات معناشناختی است. بعد از مشخص کردن اقلام واژگانی و ملاحظات دستوری، آن‌ها را به گروه‌های به لحاظ معناشناختی مشابهی تقسیم می‌کنند تا گویشور بیشتر بر موضوع متمرکز شود. زمینه‌های معنایی می‌تواند حیطه‌هایی مانند فنون مزرعه‌داری، گیاهان و جانوران، آب و هوا،

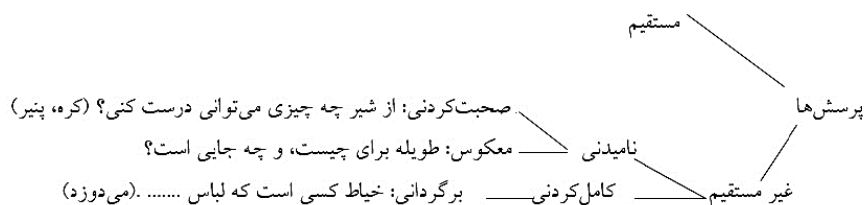
فعالیت‌های اجتماعی، روابط خویشاوندی و غیره را دربر داشته باشد. انواع پرسشنامه‌های مورد استفاده در این روش در انگاره ۲ نمایش داده شده است:



انگاره ۲- انواع پرسشنامه در مطالعات جغرافیای گویشی

در پیمایش گویش‌های زبان انگلیسی (The Survey of English Dialects (SED)، پنج نوع پرسش غیر مستقیم به کار گرفته شده است که به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: پرسش‌های نامیدنی (naming) و پرسش‌های کامل‌کردنی (completing). پرسش‌های نامیدنی شامل استخراج پاسخ گویشور به وسیله مطرح کردن پرسش‌های کوتاه (آزمونک) است. مانند: - چی توی جیبم است؟ (جیب خالی را نشان دهید) - (هیچی). یکی از انواع پرسش‌های نامیدنی، پرسش‌های صحبت‌کردنی (talking) است، که بیش از یک واژه را استخراج می‌کند، مانند: گوسفندات رو چطور علامت‌گذاری می‌کنی؟ (مهر، رنگ، غیره). نوع دیگر، پرسش‌های معروف به معکوس (reverse) است که با ترغیب گویشور به صحبت درباره یک موضوع، واژه خاصی را از وی استخراج کند، مانند: "طویله برای چیست؟". در پرسش‌های کامل‌کردنی گویشور باید یک جای خالی را پر کند، مانند: چاییتون رو با شیرین می‌کنید؟ یکی از انواع چنین پرسش‌هایی، پرسش‌های برگردانی (converting) است، که شامل کامل کردن توالی از جمله‌های دارای جای خالی است با تغییر صورت واژه‌ای پیشنهادی است، مانند: از خیاط بخواه برایت کت شلوار (بدوزد)

(chambers&Trudgill, 2004: 21-24).

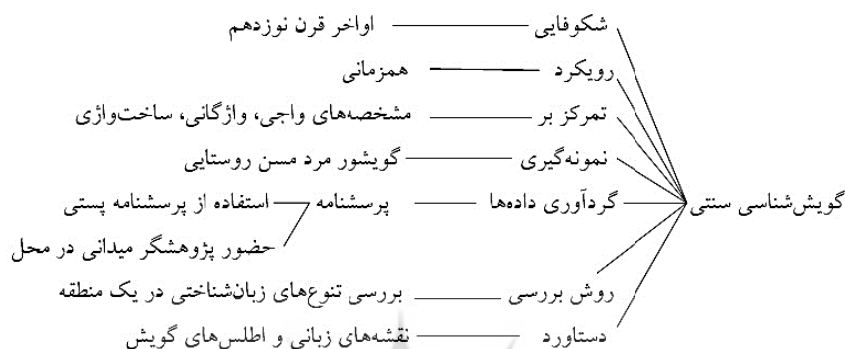


انگاره ۳- انواع پرسش‌ها در مطالعات جغرافیای گویشی

مطالعات گویشی تحت تأثیر مطالعات تاریخی زبان، تقریباً منحصرراً بر نواحی روستایی متمرکز بوده‌اند. نواحی روستایی «محافظه‌کار» تلقی می‌شوند و صورت‌های قدیمی‌تر زبان‌های مورد بررسی را در خود حفظ می‌کنند. در حالیکه، نوآوری در نواحی شهری بیشتر است و گویش‌ها ثبات کمتری دارند (Wardhaugh, 2006: 139). بر همین اساس، مشخصه‌ای مشترک در همه طرح‌های بزرگ جغرافیای گویشی صرف‌نظر از تفاوت فرهنگ‌ها، شرایط اقتصادی و یا وضع مکانی این است که عمده گویشوران را مردان روستایی‌مسن (که همیشه ساکن روستا بوده‌اند) تشکیل می‌دهند (Chambers & Trudgill, 2004: 29).

گویش‌شناسی سنتی بیش از هر چیز به آواشناسی، واج‌شناسی و تنوع واژگانی توجه داشته است. دو عامل در این میان تأثیرگذار بودند: عامل اول: بررسی اطلاعات مرتبط با تلفظ و واژگان در مقایسه با اطلاعات دستوری از طریق پرسشنامه ساده‌تر است. عامل دوم: باور به این که تنوع نحوی و ساخت‌واژی الگویی جغرافیایی ندارد (Szmrecsanyi, 2012: 2). به محض کامل‌شدن مصاحبه‌ها و جدول‌بندی پاسخ‌ها، انتشار نتایج در قالب مجموعه‌ای از نقشه‌های زبانی (Linguistic maps) (Chambers & Trudgill, 2004: 25) یا اطلس‌های گویشی (dialect atlases) صورت می‌گیرد. گویش‌شناسان سعی می‌کردند که مرزهای جغرافیایی توزیع یک مشخصه زبان‌شناختی خاص را با استفاده از کشیدن خطی که به آن مرز همگویی (isogloss) می‌گویند، روی نقشه نشان دهند. در بسیاری از مواقع این مرزها یکدیگر را قطع می‌کردند و اگر در مواردی مرزها بر هم منطبق می‌شدند، از اصطلاح خوشه یا انبوهه مرز همگویی (bundle of isoglosses) استفاده می‌کردند و آن‌ها را مرز گویشی (dialect boundary) می‌نامیدند (Wardhaugh, 2006: 136). نقشه‌های زبانی ممکن است نقشه‌های بازنمودی (display maps) باشند و یا تفسیری (interpretive maps). نقشه‌های بازنمودی صرفاً پاسخ‌های جدول‌بندی شده را برای یک مورد خاص روی نقشه از منظر جغرافیایی نشان می‌دهد. نقشه‌های تفسیری سعی می‌کنند که با نشان‌دادن توزیع

گونه‌های غالب از یک ناحیه به ناحیه دیگر، توضیحات کلی‌تری را ارائه دهند (chambers&Trudgill, 2004: 25). انگاره ۴ روش پژوهش در این رویکرد را نمایش می‌دهد.



انگاره ۴- روش پژوهش در گویش‌شناسی سنتی/جغرافیای گویشی

۴. گویش‌شناسی اجتماعی

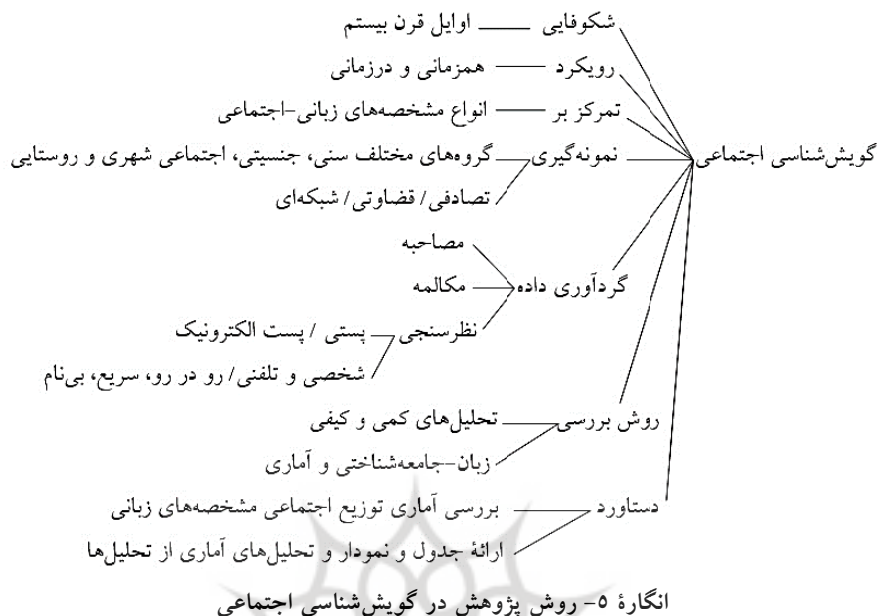
در نیمه اول قرن بیستم با افزایش روند شهرنشینی و جابجایی روش‌های پیچیده‌تری برای بررسی‌های گویشی معرفی شد و مطالعه گویش همه گروه‌های جمعیتی شامل افرادی از گروه‌های سنی مختلف و متعلق به سه طبقه اجتماعی مختلف مبتنی بر پیش‌زمینه اجتماعی و تحصیلی مورد توجه قرار گرفت^۳ (Starks, 2001: 2). رابطه بین ناحیه، سن، و به‌ویژه وضعیت و سطح اجتماعی و شیوه‌های خاص کاربرد زبان در «نظریه تنوع» (variation theory) مطرح‌شده از سوی ویلیام لباو (William Labov) (۱۹۶۶) و بعدها از سوی افراد دیگری نظیر سنکاف (Sankoff) (۱۹۷۴ و ۱۹۸۲ و ۱۹۸۸) مورد تأکید بیشتر قرار گرفت (Mesthrie, 2006: 478). در نظریه تنوع مجموعه‌ای از روش‌های زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و آمار به‌کار گرفته می‌شود تا کاربرد و ساخت زبان را در بافت طبیعی آن مورد بررسی قرار دهد (Poplack, 1993:251-2). مطالعات افرادی مانند ویلیام لباو، را باید از نخستین گام‌های اساسی در این زمینه دانست، زیرا در همین بررسی‌ها است که با بهره‌گیری از روش‌های جامعه‌شناسی و زبان‌شناسی برای نخستین بار همبستگی متغیرهای زبانی و اجتماعی به شیوه‌ای علمی و منظم نشان داده می‌شود (مدرسی، ۱۳۹۱: ۳۳).

۴-۱- روش پژوهش در گویش‌شناسی اجتماعی

به این ترتیب، بررسی تنوع اجتماعی در مقابل تنوع جغرافیایی در شهرهای بزرگ مورد توجه بسیار قرار گرفت. نتایج گویای آن بود که بسیاری از تنوع‌های گفتاری با سطح اجتماعی، سنی و تحصیلات گویشور رابطه دارند. علاوه بر این ریشه قومی و نژادی افراد و نیز زمان مهاجرتشان به محل مورد بررسی نیز در تنوع زبانی نقش دارد. بنابراین، هدف اصلی گویش‌شناسی اجتماعی، بررسی رابطه مجموعه‌ای از متغیرهای زبانی مانند شیوه‌های مختلف تلفظ یک واژه، با متغیرهای فرازبانی مانند تحصیلات، مرتبه اجتماعی، سن و نژاد است. به طور کلی، چندین نمونه از یک متغیر از هر فرد استخراج می‌شود، تا فراوانی و احتمال کاربرد هر یک مورد بررسی قرار بگیرد. به این ترتیب، در مقایسه با تعداد مشخصه‌های گویشی مورد بررسی در پژوهش‌های میدانی به شیوه‌های سنتی، در گویش‌شناسی اجتماعی تعداد متغیرهای زبانی محدودتر است (Britannica, 2013).^۴

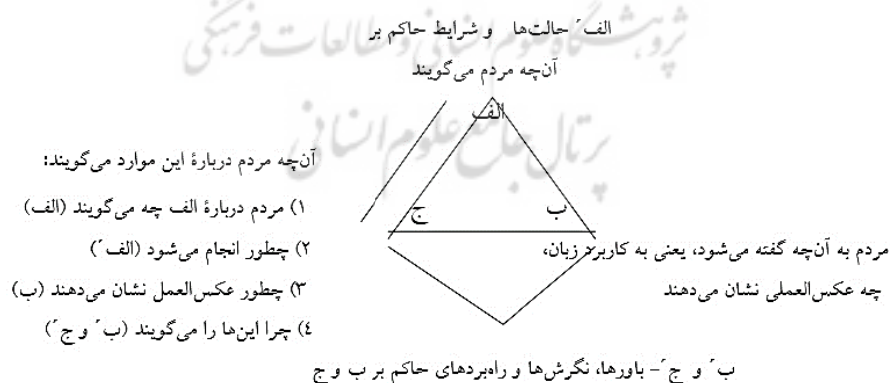
برای گردآوری داده‌ها در مطالعات گویش‌شناسی اجتماعی، در برخی موارد، مصاحبه‌های اجتماعی-زبانی انجام می‌شود که دو بخش را در بر دارند: ابتدا بخش غیر رسمی (شامل مصاحبه آزاد) برای استخراج صورت بومی یا محلی و سپس یک بخش رسمی (شامل یک متن خواندن، فهرست واژه‌ها و جفت‌های کمینه) برای استخراج درجات مختلفی از کاربرد زبان معیار یا رسمی. مصاحبه‌ها معمولاً دو ساعت به طول می‌انجامند (Starks, 2001: 3) و در هر مصاحبه دست کم پنج گویشور حضور دارند و تعداد پاسخ‌دهندگان در یک جامعه زبانی معمولاً بین ۴۸ تا ۱۲۰ نفر هستند (Wolfram & Fasold, 1974). پرسشنامه‌های پستی نیز شیوه‌ای دیگر برای نظرسنجی گردآوری داده است که با هدف بررسی تعداد زیادی از گویشوران یک جامعه وسیع، با استفاده از رسانه نوشتاری طراحی شده است. یکی از شکل‌های جدیدتر پرسشنامه‌های پستی، استفاده از پست الکترونیکی (e-mail survey) است. پژوهش سیمون و موری (Simon & Murray) (۱۹۹۹)، در ایالات متحده آمریکا نشان داد که استفاده از پست الکترونیکی می‌تواند شیوه مناسبی برای گردآوری حجم قابل ملاحظه‌ای داده در مدت زمان کوتاه باشد. نظرسنجی حضوری و تلفنی (In-person and telephone polling) نیز کاربرد گسترده‌ای در پژوهش‌های حیطة زبان‌شناسی اجتماعی دارد (Labov, 1984; Milroy, 1987: 73). تلسور (Telsur) یک پژوهش تلفنی در حد وسیع است که بر روی گویشوران تمام مراکز عمده شهری در

ایالات متحده آمریکا و کانادا انجام شده است (Ash, 2000 ; Boberg, 2000: 9). چنین پژوهش‌هایی به پژوهشگر اجازه می‌دهد که صداهای واقعی را ضبط کند و نه بازنمود نوشتاری آن‌ها را. داده‌ها را هممی‌توان با گوش کردن به نوارها و هم از جنبه فیزیک صوت و با توجه به بسامد فرمانت واکه آن‌ها تحلیل کرد. بیلی و برنشتاین (Bailey & Bernstein) (۱۹۸۹) شیوه نظرسنجی متفاوتی را به کار بردند. علاوه بر اینکه ۵۰۰ دبیرستانی و دانشجویی از نقاط مختلف تگزاس را به عنوان نمونه برای پژوهش خود انتخاب کردند، از نتایج پژوهش‌های ایالتی مرکز نظرسنجی نیز استفاده کردند و ۱۰۰۰ نفر را نیز به صورت تصادفی به جمعیت مورد بررسی اضافه کردند. یک شیوه دیگر نظرسنجی که رایج نیز است، نظرسنجی حضوری، سریع و بی‌نام (in-person rapid and anonymous) است که افراد متوجه نمی‌شوند که گفتارشان دارد مورد بررسی قرار می‌گیرد. با استفاده از این شیوه، می‌توان افراد را در مکان‌های عمومی، مانند خیابان، فروشگاه‌ها و غیره^۱ زیر نظر گرفت و ویژگی‌ها و جنبه‌هایی از گفتارشان را یادداشت کرد (Starks, 2001:6-8). به طور کلی می‌توان گفت که در پژوهش‌های اولیه گویش‌شناسی اجتماعی، از نمونه‌گیری تصادفی برای گردآوری داده‌ها استفاده می‌شد، در حالی که پژوهشگران بعدی به نمونه‌گیری‌های قضاوتی (judged samples) یا شبکه‌ای (networking) گرایش داشتند (Wolfram & Fasold, 1974:38). نمونه معمولاً با توجه به جنسیت و سن طبقه‌بندی می‌شود و اغلب طبقه اجتماعی (Labov, 1972; Trudgill, 1974) یا قومیت (Holmes, Bell & Boyce, 1991; Horvath, 1985) را نیز شامل می‌شود. از میان متغیرهای اجتماعی سن اغلب بیشترین اهمیت را دارا است (Starks, 2001: 6).



۵. گرایش‌شناسی ادراکی

تا کنون مشخص شد که تحلیل‌های زبان‌شناختی تنها محدود به یک شیوه نمی‌شوند. پرستون (Preston, 1999: XXIV) انواع تحلیل‌های زبان‌شناختی را در سه گروه اصلی طبقه‌بندی می‌کند و نموداری مثلث‌گونه برای آن‌ها ارائه می‌دهد:



شکل ۱- سه رویکرد به داده‌های زبانی (Preston, 1999: XXIV, figure 0.1)

در رأس این مثلث یعنی (الف) پژوهش‌های مختلفی که دربارهٔ زبان انجام شده است و تعدادشان کم هم نیست، قرار می‌گیرد. چنین پژوهش‌هایی، نه تنها داده‌های خام برای پژوهش‌هایی در حیطهٔ قوم‌نگاری، بررسی کنش‌زبانی و شیوه‌های مختلف صحبت‌کردن در گروه‌های مختلف فراهم می‌آورد، بلکه اطلاعاتی نیز در زمینهٔ زبان‌شناسی تاریخی، جغرافیای زبانی و زبان‌شناسی اجتماعی در اختیار قرار می‌دهد. با این حال، پشت این الف، الف' قرار دارد. الف' به این اشاره دارد که، زبان‌شناسی نه تنها کاربرد زبان را طبقه‌بندی می‌کند بلکه به شرایط و نیروهای شناختی، اجتماعی و جغرافیایی می‌پردازد که فراگیری و کاربرد زبان، صورت‌های زبانی، پراکندگی، و تغییر زبان را تبیین می‌کنند (Preston, 1999: XXIII). در عین حال، زبان‌شناسان اجتماعی، قوم‌نگاران، روان‌شناسان اجتماعی و مردم‌شناسان متوجه می‌شوند که برخی از تبیین‌های زیرساختی در الف'، به تصور و باور اجتماعی که گروه‌ها و افراد نسبت به یکدیگر دارند مربوط است و این نظرات با کاربرد زبان بسیار مرتبط است. بنابراین، رویکرد جدیدی را در مطالعات زبان معرفی کردند که با اصطلاح کلی بررسی «نگرش‌های زبانی» (language attitude) شناخته می‌شود و در شکل ۱ با عنوان ب نشان داده شده است. در این جا نیز در پشت ب، ب' قرار دارد، که حقایقی چون روابط تاریخی بین گروه‌ها، وابستگی‌های روان‌جامعه‌شناختی (و مکانیسم‌های مرتبط با آن‌ها) و مجموعه‌ای از سایر ارزش‌ها، باورها و کلیشه‌های فرهنگی را در بر می‌گیرد. در نهایت، این که مردم دربارهٔ آنچه در جریان است چه می‌گویند، ضلع ج و ج' مثلث را شکل می‌دهد و بخشی از زبان‌شناسی عامیانه (folk linguistics) به‌شمار می‌آید و گویش‌شناسی ادراکی یکی از زیرشاخه‌های این حوزه کلی است.

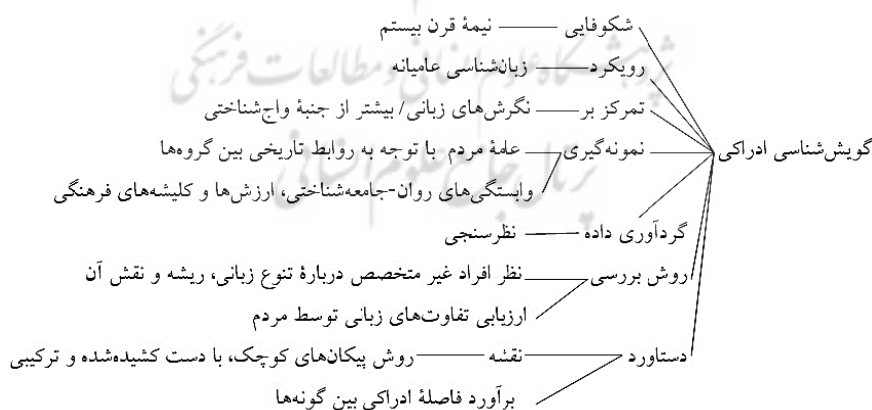
اهمیت چنین مطالعه‌ای از یک سو در این است که چنین باورهایی بخشی از فرهنگ عامیانه، قوم‌نگاری، و مردم‌شناسی فرهنگی گروه‌ها است و از سوی دیگر ممکن است بین باورهای عامیانه و دانش علمی و تخصصی تعامل و یا تضاد وجود داشته باشد و موفقیت دست‌اندرکاران مطالعات میدانی در گرو آگاهی داشتن از باور افراد غیر متخصص است. اهمیت این موضوع به‌ویژه در آموزش زبان-ملی یا زبان دوم و خارجی- و در شرایطی که افراد جامعهٔ زبانی نسبت به زبان‌های مختلف یا گونه‌های مختلف زبانی نظرات متفاوتی دارند، آشکار می‌شود.

۵-۱- روش پژوهش در گویش‌شناسی ادراکی

گویش‌شناسی ادراکی، بازنمود توجه گویش‌شناسان، زبان‌شناسان اجتماعی و گونه‌شناسان به زبان‌شناسی عامیانه است. افراد غیرمتخصص دربارهٔ تنوع چه می‌گویند؟ به باورشان منشأ این تنوع چیست؟ فکر می‌کنند که در کجا وجود دارد؟ نظرشان دربارهٔ نقش آن چیست؟ (Ibid: XXIV). به عبارتی، از مردم عادی می‌خواستند که تفاوت‌های زبان‌شناختی نواحی اطرافشان را ارزیابی کنند. به عنوان نمونه، در پیمایشی در هلند (Rensink, 1955) مردم به دو پرسش پاسخ می‌دادند: ۱- در کدام محل‌ها در ناحیه‌ای که شما زندگی می‌کنید، گویشی مشابه یا تقریباً مشابه با گویش شما صحبت می‌شود؟ و ۲- در کدام محل‌ها گویشی کاملاً متفاوت با گویش شما صحبت می‌شود؟ آیا می‌توانید تفاوت‌های خاص و مشخصی را ذکر کنید؟ تحلیل داده‌ها در رویکرد ادراکی نیز محدود به یک شیوه نیست. گویش‌شناس هلندی آنتونیوس وین (Antonius Weijnen) (۱۹۶۶) از شیوهٔ نقشه‌کشی پیکان‌های کوچک (little arrows) برای نمایش اطلاعات به دست آمده از پرسش اول استفاده کرد (Preston, 2006: 258)؛ در این شیوه، محل‌هایی که به گفته گویشوران تقریباً گویش یکسانی در آن‌ها صحبت می‌شود، به وسیلهٔ پیکان‌هایی روی نقشه به هم متصل می‌شوند. به این ترتیب، در جایی که پیکان نباشد، نوارهای سفیدرنگی ایجاد می‌شود که مرزهای گویشی را نشان می‌دهد. هدف این روش، یافتن ناحیه‌ها و مرزهای گویشی بر مبنای آگاهی زبانی (language awareness) گویشوران یک گویش است (Heeringa, 2004: 12). در شیوه‌ای دیگر، از پاسخ‌دهندگان خواسته می‌شود تا ناحیه‌های گفتاری را روی یک نقشهٔ خالی نشان دهند، و هر یک را با استفاده از نام گویش و/یا ناحیه نام‌گذاری کنند و مثال‌هایی نیز بنویسند. با اینکه نقشه‌های با دست کشیده شده در جغرافیای فرهنگی (cultural geography) شناخته شده هستند (به عنوان مثال، Gould and White, 1974)، این کار در سنت گویش‌شناسی رایج نبوده است. از این شیوهٔ پژوهش در ایالات متحده آمریکا و ژاپن استفاده شده است (پرستون، ۱۹۹۹؛ لانگ (Long) و پرستون، ۲۰۰۲). روش دیگری نیز از سوی پرستون و هاو (Howe) (۱۹۸۷) برای تعمیم رایانه‌ای تعدادی از این نقشه‌ها معرفی گردید. در این روش، با استفاده از فنون رایانه‌ای و بر مبنای نقشه‌های فردی پاسخ‌دهندگان، امکان ارائهٔ نقشه‌های ترکیبی برای ناحیه‌های مشخص شده توسط آن‌ها فراهم می‌شود و طرح پرسش‌هایی فراتر از تعمیم‌های کلی را ممکن می‌نماید. کار بر روی نقشه‌های با دست کشیده شده، در نقاط مختلفی از ایالات متحده آمریکا، برزیل، فرانسه، ژاپن، کره، کانادا، ولز

آلمان، ترکیه، ایتالیا و سوئیس انجام شده است (به عنوان مثال، پرستون، ۱۹۹۹؛ لانگ و پرستون، ۲۰۰۲) (Preston, 2006: 259).

با استفاده از گویش‌شناسی ادراکی، می‌توان بر مبنای تجربه‌های ادراکی (perception experiments) فاصله‌های بین گونه‌ها را نیز به دست آورد. گوگسکنز (Gooskens, 1977) فاصله‌های ادراکی بین هلندی معیار و برخی از گونه‌های هلندی را با تمرکز بر سطح زبانی و سطح نوایی مورد بررسی قرار داد. افراد به قطعاتی گوش می‌دادند و میزان شباهت آن به هلندی معیار را از شماره ۱ تا ۱۰ برآورد کردند، به این ترتیب که ۱ = گونه زبانی مورد سؤال و ۱۰ = هلندی معیار بود. همانگونه که فاصله‌های ادراکی (perceptual distance) گونه‌ها از زبان معیار را می‌توان به دست آورد، فاصله‌های ادراکی دو جانبه بین گونه‌ها نیز قابل سنجش است. بر مبنای ماتریس فاصله‌های ادراکی می‌توان تحلیل خوشه‌ای (cluster analysis) و مقیاس‌گذاری چندوجهی (multidimensional scaling) را اعمال کرد (Heeringa, 2004: 13). مشخصه‌های زبانی کهدر گویش‌شناسی ادراکی بیشتر مورد توجه هستند به باور وینن (۱۹۶۱) واج‌شناختی هستند، زیرا در مقایسه با مرزهای نحوی و ساخت‌وازی مشخص‌ترند. گویش‌شناس هلندی، جو دان (Jo Daan, 1970)، به مواردی توجه می‌کند که در مطالعات سنتی مورد بررسی قرار نگرفته‌اند، مانند آهنگ کلام، کیفیت صوت، سرعت گفتار. وی با بررسی عوامل اجتماعی-تاریخی بر ادراک بیان می‌دارد که مرزهای مذهبی (religious boundary) (دینی) ممکن است روی احساس پاسخ‌دهندگان تأثیر بگذارند و این مرزها به عنوان مرزهای زبانی معرفی شوند (Preston, 2006: 258).



انگاره ۶- روش پژوهش در گویش‌شناسی ادراکی

۶. گویش‌شناسی پیکره - بنیاد

همان‌طور که اشاره شد مطالعات اولیه و سستی گویش‌شناسی بیشتر بر مطالعه مشخصه‌های واج‌شناختی و واژگانی و نهایتاً ساخت‌واژی متمرکز بوده است. در حالیکه، در سال‌های اخیر در مطالعات نحوی توجه ویژه‌ای به تنوع‌های گویشی شده است و در پژوهش‌های گویشی نیز مسائل نحوی علاوه بر موضوعات سنتی‌تر مطرح شده‌اند (کورتمن^۵ ۲۰۰۴). نکته مهم این است که تلفیق پارامترهای نحوی در پژوهش گویشی نیاز به بازبینی روش‌های به دست‌آوردن داده‌ها دارد. روش‌های گردآوری داده‌ها باید تلفیقی از گفتار خودانگیخته، روایات، مکالمات، و پرسشنامه‌های ساخت‌واژی-نحوی ویژه باشد تا بتواند حیطه‌های مرتبط را پوشش دهد (Chamoreau, 2012: 7) و اینگونه است که با کاربرد پیکره‌های^۶ زبانی در گویش‌شناسی رو به رو می‌شویم. منظور از پیکره زبانی مجموعه‌ای اصول‌مند و احتمالاً رایانه‌ای شده از مواد گویشی است که نمایاننده زبان گفتاری (گاهی نوشتاری) طبیعی می‌باشد. به این ترتیب گویش‌شناسی پیکره-بنیاد^۷ از سایر رویکردهای گویش‌شناسی تجربی^۸ که مبتنی بر اطلس‌های گویشی و داده‌های پرسشنامه‌ای هستند، متفاوت می‌شود.

۶-۱- روش پژوهش در گویش‌شناسی پیکره-بنیاد

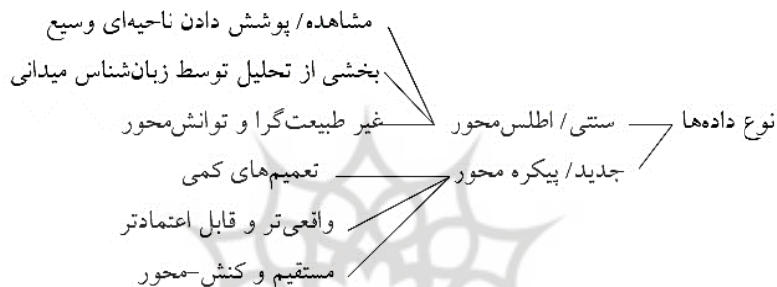
کاربرد ضبط صوت در پژوهش‌های گویشی به ویژه بعد از جنگ جهانی دوم، تحول بزرگی در گردآوری داده‌ها ایجاد کرد. این ابزار در پیمایش گویش‌های انگلیسی^۹ و بسیاری از پروژه‌های آمریکای شمالی که ایده‌شان پیش از جنگ جهانی دوم شکل گرفته بود ولی اغلب بعد از جنگ به مرحله عمل درآمد، به کار گرفته شد. بسیاری از این نوارها حفظ شده‌اند و گاهی قطعات گفتاری طولانی‌تری از گویشوران در آن‌ها دیده می‌شود. اخیراً برخی از داده‌های این پروژه آوانگاری شده است و در دسترس قرار داده شده است (the SED recordings, cf. Klemola/Jones 1999). این نوارها احتمالاً قدیمی‌ترین داده‌های گویشی هستند که امروزه به عنوان یک پیکره (الکترونیکی) از گفتار غیر-استاندارد در دسترس داریم (Anderwald&Szmrecsanyi, 2009:3). پیکره، نشانه‌های زبان‌شناختی واقعی‌تری را در اختیار قرار می‌دهد. گویش‌شناسی اطلس‌محور یا پیمایشی (مبتنی بر نمونه‌گیری) به مشاهده توجه دارد، ولی رویکردهای پیکره‌محور (مبتنی بر فراوانی)

تعمیم‌هایی را از لحاظ کمی در اختیار قرار می‌دهد. به عنوان مثال، در گویش ۱، ویژگی الف در گفتار واقعی دو برابر بیشتر از گویش ۲ است. البته شیوه پیمایشی یا اطلس محور هم مزیت‌های غیر قابل انکاری دارد، از جمله اینکه اطلس‌های زبانی نسبتاً گسترده هستند و ناحیه را به خوبی پوشش می‌دهند، بالعکس پیکره‌های گویشی ناحیه وسیعی را پوشش نمی‌دهند (Szmrecsanyi, 2012:3). نوع پیکره‌ای که پژوهشگر به دست می‌آورد، منوط است به هدفها و فنون جمع‌آوری اطلاعات. اهداف را به‌طور کلی می‌توان به پنج گروه تقسیم کرد: ۱- توصیف زبان ۲- کار تدوین لغت‌نامه که تفاوت بسیار زیادی با کار توصیف زبان دارد ۳- بایگانی، ۴- پژوهش جنبه‌های زبانی رفتار فرهنگی و ۵- آموزش زبان (سامارین، ۱۳۸۷: ۶۸-۷۳)

برخی از منابع اصلی پیکره‌های زبانی عبارتند از: مصاحبه‌هایگوشی (interview): اغلب پرسش‌نامه‌های مفصل همراه با ضبط جلسات مصاحبه را شامل می‌شود و در مقابل «گفتار خودانگیخته» (spontaneous speech) که در بسیاری از مطالعات زبان‌شناسی اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرند. پروژهای تاریخ شفاهی (Oral History Project): در برخی از پژوهش‌های گویشی از اطلاعاتی استفاده می‌شود که با اهداف غیرگویش‌شناختی گردآوری شده است، برای مثال هوبر (Huber) (۲۰۰۳) با استفاده از مواد تاریخ شفاهی پیکره‌ای مشتمل بر سه میلیون واژه تهیه کرده‌مصاحبه‌ها/مکالمات خودگویشوران با یکدیگر: (participant interview/conversation) در برخی از پژوهش‌های حوزه زبان‌شناسی اجتماعی و گویش‌شناسی از گویشوران یک گویش، به مانند پژوهشگران میدانی تعلیم‌دیده، برای ثبت گفتار سایر گویشوران استفاده می‌کنند. به عنوان مثال، در طرح تنوع و تغییر واجی در انگلیسی معاصر^{۱۱} تعامل دونفره بدون حضور پژوهشگر ترجیح داده می‌شود (Milroy, Milroy and Docherty, 1997).

ضبط مکالمات خودانگیخته محدود به یک ناحیه: همانند پیکره زبانی گفتار نوجوانان لندن (Anderwald & Szmrecsanyi, 2009:5) (COLT)^{۱۱}. به طور کلی ویژگی‌های رویکرد پیکره‌بنیاد را می‌توان به این شرح خلاصه کرد: داده‌های پیکره نسبتاً دقیق‌تر، صحیح‌تر و واقعی‌تر هستند و می‌توانند تعمیم‌های کمی و اطلاعی از سلسله مراتب فراوانی ارائه دهند و تنوع‌های زبانی پیوسته را بهتر نشان می‌دهند. به عنوان مثال، در گویش x فلان ویژگی در گفتار واقعی دو برابر بیشتر است از گویش y است. مواد زبانی در پیمایش‌ها، ماهیتاً غیر-طبیعت‌گرا، فرا-زبانی و توانش-محور و مبتنی بر پرسشنامه و استخراج هستند و بخشی از آن در تحلیل پژوهشگر میدانی یا فردی که اطلس را تهیه می‌کند، حذف می‌شود. در مقابل،

پیکره‌های متنی، صورت و نقش‌های زبان را به شیوه‌ای مستقیم و کنش‌محور در اختیار قرار می‌دهند و در نتیجه تصویر واقعی‌تر و قابل اعتمادتری را ارائه می‌دهند (Szmrecsanyi, 2012:3-4) تجربی است و الگوهای واقعی کاربرد متن‌های طبیعی را تحلیل می‌کند. از رایانه هم به شیوه خودکار و هم تعاملی برای تحلیل استفاده می‌کند. هم بر روش‌های تحلیل کمی و هم تحلیل کیفی مبتنی است (Biber, Conrad & Reppen, 1998: 3) ویژگی‌های داده‌های پیکره-بنیاد در مقایسه با داده‌های اطلس-محور و سنتی، در انگاره ۷ به نمایش درآمده است:



انگاره ۷- مقایسه داده‌های گویشی سنتی و پیکره‌ای

به طور کلی یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های تحلیل‌های پیکره-بنیاد نقش رایانه در انجام تحلیل‌ها است. چنین تحلیلی می‌تواند بسیار جامع باشد، حقایق متنی را پوشش دهد و بررسی موارد تکرار و باهم‌آیی همه‌واژه‌های متن را در بر داشته باشد. از آنجا که اطلاعات بسیار ریز و جزئی را در اختیار قرار می‌دهد، می‌تواند در مطالعات گوناگون از جمله سبک‌شناسی نیز کاربرد فراوان داشته باشد (Widdowson, 2008: 293). تحلیل پیکره‌گویی - همانند تحلیل سایر داده‌های پیکره - می‌تواند در خدمت اهداف زبان‌شناختی متنوعی، از توصیف گرفته تا مباحث نظری و تعبیری قرار گیرد. به عنوان مثال، یکی از انواع تحلیل‌های پیکره‌های گویشی، تحلیل نقش‌گرا-رده‌شناختی (functional-typological) است که تلاش دارد رده‌شناسی نقش‌گرا را با گویش‌شناسی پیوند دهد. به عبارتی، برای بررسی الگوهای تنوع‌های درون زبانی از همان ابزارهای تجربی و تعبیری استفاده می‌شود که در مطالعات رده‌شناختی برای بررسی تنوع زبانی در سطح گسترده‌تر بینا-زبانیه‌کار می‌رود. همچنین می‌توان به گونه‌شناسی انگاره‌سازیمبتنی بر احتمال‌الشاره کرد. در اینگونه پژوهش‌ها، داده‌های پیکره‌ای گویش‌های سنتی با استفاده از روش‌های کمی‌مشابه با

گویش‌شناسی شهری و جامعه‌شناسی بررسی می‌شوند و از پیکره گویشی به عنوان یک منبع غنی برای ارائه و الگوگیری دستورهای مبتنی بر احتمال استفاده می‌گردد. علاوه بر این، با در نظر گرفتن جهت‌گیری سنتی گویش‌شناسی نسبت به زبان‌شناسی تاریخی و تبیین در زمانی، تعجیبی ندارد که گویش‌شناسی پیکره-بنیاد هنوز هم کم و بیش به تحول در زمانی و پراکندگی ناحیه‌ای هم‌زمانی صورت‌های زبانی نیز توجه دارد. همچنین پیکره‌های گویشی در نظریه‌سازی صورت‌گرا/زایشی (formalist/generative) به عنوان منبعی برای ارائه شواهد زبانی مستدل مورد استفاده قرار گرفته‌اند (Anderwald & Szmrecsanyi, 2009:6-11).



انگاره ۸- روش پژوهش در گویش‌شناسی پیکره-بنیاد

۷. بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله رویکردهای سنتی و جدید کلی در مطالعات گویشی مورد بحث و بررسی قرار گرفت و اصول کلی هر یک با توجه به نوع داده‌ها، شیوه گردآوری و تحلیل آن‌ها

شرح داده شد. رویکرد تاریخی-تطبیقی، متأثر از زبان‌شناسی تاریخی - تطبیقی به تغییرات در زمانی در گویش‌ها و مقایسه آن‌ها می‌پردازد. رویکرد جغرافیای گویشی بر توصیف گویش و بررسی پراکندگی جغرافیایی تنوع‌های گویشی متمرکز است و هدف اصلی آن تعیین مرزهای گویشی و ارائه اطلس‌های زبانی است. در این رویکرد بهترین نمونه گویشی، گونه زبانی مردان مسن نواحی روستایی در نظر گرفته می‌شود. رویکرد اجتماعی، به گونه‌های زبانی در درون یک جامعه زبانی می‌پردازد و نقش عواملی چون سن، تحصیلات، طبقه اجتماعی بر کاربرد زبان مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این رویکرد بر خلاف رویکرد جغرافیای گویشی، تمرکز بر کاربرد زبان در جوامع زبانی بزرگ مانند شهرها است و افرادی از سنین مختلف، با تحصیلات و پیشینه اقتصادی و اجتماعی مختلف مورد مطالعه قرار می‌گیرند و معمولاً از روش‌های آماری برای بررسی فراوانی و توزیع یک مشخصه زبانی استفاده می‌شود. رویکرد ادراکی، بر خلاف رویکردهای پیشین، خود زبان را مورد بررسی قرار نمی‌دهد، بلکه به نگرش‌های زبانی توجه دارد و در پی آن است که دریابد آیا مرزهای زبانی حاصل از اطلس‌ها، نقشه‌ها و توصیف‌های زبانی با مرزهای زبانی ادراکی گویشوران مطابقت دارد. در مواردی نیز تلاش می‌کند تا فاصله‌های بین گونه‌ها را بر مبنای تجربه‌های ادراکی را به دست دهد. در حالیکه در رویکردهای سنتی تمرکز بر مشخصه‌های واج‌شناختی و واژگانی متمرکز بوده‌اند، در رویکردهای متأخرتر چون گویش‌شناسی پیکره-بنیاد بررسی مشخصه‌های نحوی نیز مورد توجه قرار می‌گیرند که به تغییر در نوع داده‌ها و شیوه گردآوری آن‌ها منجر شده‌است. داده‌ها در این روش، طیف وسیعی از متون نوشتاری و شفاهی، رسمی و محاوره‌ای را شامل می‌شود و از روش‌های گوناگونی برای گردآوری داده‌ها استفاده می‌شود. هدف این رویکرد، گردآوری و تحلیل داده‌های زبانی واقعی و طبیعی با استفاده از روش‌های مختلف رایانه‌ای و آماری است و نتایج در قالب نمودار، جدول و تحلیل‌های کمی و کیفی ارائه می‌گردند. بنابراین، روش‌های مطالعه علمی گویش‌ها متنوع و اصول و اهداف هر یک متمایز از دیگری است. برای انجام یک مطالعه گویشی در درجه اول باید هدف از انجام مطالعه روشن شود و سپس بهترین رویکرد انتخاب شود. با انتخاب رویکرد، چارچوب نمونه‌گیری، روش گردآوری داده، تحلیل داده‌ها و شیوه ارائه نتایج مشخص می‌شود.

پی‌نوشت

- ۱- ویرایش ۲۰۰۴ این کتاب نیز در دسترس است.
- ۲- برای اطلاعات بیشتر مراجعه کنید به تارنمای پایگاه داده‌های زبان فارسی به آدرس:
[/http://pldb.ihcs.ac.ir](http://pldb.ihcs.ac.ir)
- ۳- این رویکرد به گویش‌شناسی شهری (urban dialectology) نیز شهرت دارد (چمبرز و تراگیل، ۲۰۰۴)
- 4- <http://www.britannica.com/EBchecked/topic/342418/linguistics/35141/Social-dialectology>
- 5- Kortmann
- 6- corpus
- 7- corpus-based dialectology
- 8- empirical dialectology
- 9- The Survey of English Dialects
- 10- Phonological Variation and Change in Contemporary English (PVC)
- 11- Corpus of London Teenage Speech (COLT)

کتاب‌نامه

- اختیار، منصور (۱۳۴۴). روش بررسی گویش‌ها (بخش اول: صوت‌شناسی). ضمیمه مجله دانشکده ادبیات شماره‌های دوازدهم و سیزدهم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- پورریاحی، مسعود (۱۳۷۴). کتاب‌شناسی گویش‌های ایران (جلد سوم). تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- حسن‌دوست، محمد (۱۳۸۹). فرهنگ تطبیقی - موضوعی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی نو، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۲). رده‌شناسی زبان‌های ایرانی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).
- دیهیم، گیتی (۱۳۸۸). اطلس گویش‌شناختی قصران داخل. تهران: انتشارات سروش با همکاری دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- زمردیان، رضا (۱۳۷۹). راهنمای گردآوری و توصیف گویش‌ها. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- سامارین، ویلیام (۱۳۸۷). زبان‌شناسی عملی: راهنمای بررسی گویش‌ها، ترجمه لطیف عطاری. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- شیری، علی اکبر (۱۳۸۶). درآمدی بر گویش‌شناسی. تهران: مازیار.
- فتحی، آذر (۱۳۸۰). راهنمای گردآوری گویش‌ها. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

- فرهنگستان زبان و ادب فارسی. (۱۳۸۹). *راهنمای گردآوری گویش‌ها برای گنجینه گویش‌های ایران*. به صورت بر خط به آدرس <http://www.persianacademy.ir/UserFiles/File/Gouyesh.pdf>
- کلباسی، ایران (۱۳۷۶). «راهنمای گردآوری گویش‌های ایرانی». *یاد بهار*. تهران: آگه، صص ۶۷۷-۶۸۷.
- کلباسی، ایران (۱۳۸۸). *فرهنگ توصیفی گونه‌های زبانی ایران*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- کیا، صادق (۱۳۹۰). *واژه‌نامه شصت و هفت گویش ایرانی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- کیا، محمدصادق (۱۳۴۰). *راهنمای گردآوری گویش‌ها*. تهران: اداره فرهنگ عامه، هنرهای زیبای کشور.
- مدرسی، یحیی (۱۳۶۸). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مدرسی، یحیی (۱۳۹۱). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*. ویراست دوم. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- Anderwald, L., & Szmrecsanyi, B. (2009). *Corpus linguistics and dialectology*. *Corpus Linguistics. An International Handbook*. Handbücher zur Sprache und Kommunikationswissenschaft/Handbooks of Linguistics and Communication Science. Berlin/New York: Mouton de Gruyter. www.benszm.net/.../Anderwald_Szmrecsanyi_HSK_webversion.pdf
- Ash, S. (2000). Sampling strategy for the Telsur/Atlas Project. On the Internet website, Telsur Project, William Labov ed.: http://www.ling.upenn.edu/phono_atlas/sampling.html.
- Auer, Peter (2004). «Sprache, Grenze, Raum». *Zeitschrift für Sprachwissenschaft*, 23, 149-179.
- Bailey, G., & Bernstein, C. (1989). «Methodology for a phonological survey of Texas». *Journal of English Linguistics*, 22 (1), 6-16.
- Baugh & J. Sherzer, (Eds.), *Language in use: Readings in sociolinguistics*. (pp. 28-53). Englewood Cliffs: Prentice Hall.
- Biber, D., Conrad, S., & Reppen, R. (1998). *Corpus linguistics: Investigating language structure and use*. Cambridge University Press.
- Boberg, C. (2000). «Geo-linguistic diffusion and the U.S. Canada border». *Language Variation and Change*, 12, 1-24.
- Chambers, J. K. & Trudgill, Peter (ed). (1998). *Dialectology* Cambridge University Press.
- Chambers, J. K. & Trudgill, Peter (2004). *Dialectology* (2nd edition), Cambridge: Cambridge University Press.
- Chamoreau, C. (2012). «Dialectology, typology, diachrony and contact linguistics. A multi-layered perspective in Purepecha». *Language Typology and Universals*, 65(1), 6-25.
- Christensen, Arthur (1930 & 1935). *Contributions a la dialectologie iranienne, dialecte gilaki de Recht, dialectes de Farizand, de Yaran et de Natanz : avec un supplement contenant quelques textes dans le persan vulgaire de Teheran*. Kobenhavn : Bianco Lunos.

- Cravens, T. D. (2002). *Comparative historical dialectology: Italo-Romance clues to Ibero-Romance sound change* (Vol. 231). John Benjamins.
- Daan J (1970). «Dialekten.» In Von randstad tot landrand. Bijdragen en Mededelingen der Dialecten Commissie vande Koninklijke Nederlandse Akademie van Wetenschappen Amsterdam, XXXVII. Amsterdam: N. V. Noord, Hollandsche Uitgevers Maatschappij. [Transl. as 'Dialects,' in Preston (ed.) (1999), 9–30.]
- Fox, A (2006). «Historical and comparative linguistics in the 19th century», in *Encyclopaedia of language and linguistics*, Keith Brown (ed.), Vol. 5. 317-331.
- Gooskens, C. S. (1997). *On the role of prosodic and verbal information in the perception of Dutch and English language varieties*. PhD thesis, Katholieke Universiteit
- Gould P & White R (1974). *Mental maps. Harmondsworth, Middlesex: Penguin*.
- Harnisch, Rudiger. (2009). *Divergence of linguistic varieties in a language space*. Pages 275–295
- Heeringa, W. J. (2004). *Measuring dialect pronunciation differences using Levenshtein distance* (Doctoral dissertation, University Library Groningen)[[Host]]. www.let.rug.nl/~heeringa/dialectology/thesis/thesis02.pdf
- Horvath, B. (1985). *Variation in Australian English*. Cambridge: Cambridge University Press. http://www.benszm.net/omnibuslit/Szmrecsanyi_Contemporary_Methods.pdf
- Huber, M. (2003), The Corpus of English in South-east Wales and its Synchronic and Diachronic Implications. In: Tristram, H. L. C. (ed.), *The Celtic Englishes III*. Heidelberg: Winter, 182-200
- interfaces*. Amsterdam: John Benjamins Publishing Company.
- Klemola, J./Jones, M. J. (1999), The Leeds Corpus of English Dialects-project. In: *Leeds Studies in English* 30,7-30.
- Kortmann, B. (Ed.) (2004). *Dialectology meets typology [electronic resource]: dialect grammar from a cross-linguistic perspective* (Vol. 153). Walter de Gruyter.
- Labov, W. (1972). *Sociolinguistic patterns*. Philadelphia: University of Pennsylvania Press.
- Labov, W. (1984). «Research methods of the project on linguistic change and variation». In J.
- Labov, W., Ash, S., & Boberg, C. (2005). *The atlas of North American English: Phonetics, phonology and sound change*. Walter de Gruyter.
- Labov, William (1966). *The social stratification of English in New York City*. Arlington, VA: Center for Applied Linguistics.
- Long D & Preston D R (eds.) (2002). *Handbook of perceptual dialectology* (vol. 2). Amsterdam: Benjamins.
- Mesthrie, R(2006). «Society and Language: Overview». In *Encyclopaedia of language and linguistics*, Keith Brown (ed). Vol. 11 , Pp. 472-484.
- Milroy, A. L., Milroy, J. R. D., & Docherty, G. J. (1997). *Phonological variation and change in contemporary spoken British English*. Economic and Social Research Council.
- Milroy, L. (1987). *Observing and analysing natural language: a critical account of sociolinguistic method*. Oxford: Basil Blackwell.

- Pelkey, J. R. (2011). *Dialectology as dialectic: Interpreting Phula variation* (Vol. 229). Walter de Gruyter.
- Poplack, S. (1993). Variation theory and language contact. *American dialect research: An anthology celebrating the 100th anniversary of the American Dialect Society*, 251-286.
- Preston D R (1996). «Where the worst English is spoken», In Schneider E (ed.) *Focus on the USA*. Amsterdam and Philadelphia: Benjamins. 297–360.
- Preston D R (ed.) (1999). *A handbook of perceptual dialectology*. Amsterdam: Benjamins. [A bibliography of works devoted principally to perceptual dialectology.]
- Preston Preston, D. R., & Howe, G. M. (1987). «Computerized generalizations of mental dialect maps». *Variation in language: NWAV-XV at Stanford*, 361-78.
- Preston, D R (2006). *Perceptual dialectology*. In *Encyclopedia of language and linguistics*. Keith Brown (ed.) Vol. 9. 258-266
- Rensink W G (1955). «Dialectindeling naar opgaven van medewerkers». *Mededelingen der Centrale Commissie voor Onderzoek van het Nederlandse Volkseigen* 7,20–23. [Transl. as 'Informant classification of dialects,' in Preston (ed.) (1999), 3–7.]
- Sankoff, David (1982). «Sociolinguistic method in linguistic theory». In L. Cohen et al. (eds), *Logic methodology, philosophy of science VI*. Amsterdam: North Holland, 679-687.
- Sankoff, David (1988). «Sociolinguistics and syntactic variation». In Frederick Newmeyer (ed.), *Linguistics: the Cambridge survey*. New York: Cambridge university press, 140- 161.
- Sankoff, Gillian (1974). «A quantitative paradigm for the study of communicative competence». In Richard Bauman & Joel sherzer (eds), *Explorations in the ethnography of speaking*. New York: Academic Press, 1-36.
- Simon, B. L., & Murray, T. E. (1999). «How suite it is: Using combined methodologies to explore dialect questions». *Journal of English Linguistics*, 27 (1), 27-39.
- Starks, D., & McRobbie-Utasi, Z. (2001). «Collecting sociolinguistic data: Some typical and some not so typical approaches». *New Zealand Sociology*, 16(1), 79-92.
- Szmrecsanyi, Benedikt (2012). «Methods and objectives in contemporary dialectology». Available: http://www.benszm.net/omnibuslit/Szmrecsanyi_Contemporary_Methods.pdf
- Trudgill, P. (1974). *The social differentiation of English in Norwich*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Wardhaugh, Ronald (2006). *An Introduction to Sociolinguistics* (5th ed.). blackwell publishing
- Weijnen A A (1946). «De grenzen tussen de Oost-Noordbrabantsedialecten onderling» ['The borders between the dialects of eastern North Brabant']. In Weijnen A A, Renders J M & van Ginneken J (eds.) *Oost-Noordbrabantsedialectproblemen* [Eastern North Brabant dialect problems]. Bijdragen en Mededelingen der Dialectencommissie van de Koninklijke Nederlandse Akademie van Wetenschappen te Amsterdam 8, 1–15.
- Weijnen A A (1961). 'Het bewustzijn van dialectverschil' ['The awareness of dialect differences']. JB Wolters.
- Widdowson, H. G. (2008). The novel features of text. Corpus analysis and stylistics. *Language and Computers*, 64(1), 293-304.

Wolfram, W., & Fasold, R. W. (1974). *The study of social dialects in American English*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.

Zhukovskii, Valentin A. (1888-1922) *Materialy dlia izuchenia Persidskikh narechii [Materials for the study of the persian dialects]*, I-III, st. Petersburg, [reprinted, Tehran, 1976].



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

آتوسا رستم‌بیک تفرشی ۱۴۳



شروعگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی